

کمیت‌نماها در زبان فارسی

لیلا قدیری^۱

دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۹۵ تا ص ۱۰۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۵/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۲۵

چکیده

در این مقاله ضمن معرفی طبقه‌بندی کمیت‌نماها از سوی زبان‌شناسان پیشین، در پاسخ به این سؤال که آیا جایگاه اولیه کمیت‌نماهایی چون «خیلی» و «بعضی» در درون گروه حرف تعریف بوده و یا از همان ابتدا در درون گروه کمیت‌نما ادغام می‌شوند، نشان خواهیم داد که برخلاف نظر سمیعیان (۱۹۸۳) و معظمی (۱۳۸۵)، در نظر گرفتن عناصر کمیت‌نمایی «خیلی» و «بعضی» در درون گروه حرف تعریف دارای اشکالات نظری و تجربی خواهد بود. به همین دلیل با توجه به ارجحیت فرآیند ادغام به حرکت در برنامه کمینه‌گرا و به پیروی از کاواشیما (۱۹۹۴)، جایگاه این عناصر را در هسته گروه کمیت‌نما در نظر می‌گیریم. این عناصر دارای این خصوصیت هستند که هم در ساخت کمی (همراه با گروه اسمی) و هم در ساخت بخشی (همراه با حرف اضافه «از») ظاهر می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: گروه کمیت‌نما، گروه حرف تعریف، نشانه جمع، ادغام، حرکت

L_ghadiri@ut.ac.ir

^۱. رایانامه نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

کمیت‌نماها^۱ یا سورها از دیرباز مورد توجه منطقیون قرار گرفته‌اند. زبان‌شناسان نیز از دو منظر معناشناسی و نحو، همواره توجه ویژه‌ای به این عناصر داشته‌اند و آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند. در واقع کمیت‌نماها، اغلب موضوع مطالعه و بررسی تعامل میان نحو و معنی‌شناسی بوده‌اند. صادقی و ارژنگ (۱۳۵۷) کمیت‌نماها را با عنوان اسم‌های مبهم معرفی می‌کنند که بر یک یا چند مفهوم یا شخص یا چیز نامعین دلالت می‌کنند، مانند: برخی، بعضی، خیلی، پاره‌ای اندکی، همه، همگی، تمام، ... در میان زبان‌شناسان زایشی که در مورد ساختار دستوری و طبقه‌بندی کمیت‌نماهای زبان فارسی تحلیل‌هایی را ارائه داده‌اند، می‌توان به سمیعان (۱۹۸۳) و معظمی (۱۳۸۵) اشاره کرد. این نوشتار می‌کوشد نقدی کوتاه بر آراء این دو زبان‌شناس، به خصوص پیرامون دو کمیت‌نمای «بعضی» و «خیلی»، ارائه کند و تحلیل خود را از گروه کمیت‌نما در زبان فارسی را بیان کند.

بخش‌های مختلف این مقاله به شرح زیر است: بعد از ذکر مقدمه، در بخش دوم، آراء سمیعان و معظمی را معرفی خواهیم کرد. بخش سوم این مقاله به بررسی نظرات این دو زبان‌شناس و ذکر اشکالات وارد بر تحلیل آنها اختصاص دارد و از جمله به مهم‌ترین ایراد یعنی تبیین ترکیباتی چون «خیلی‌ها» و «بعضی‌ها» می‌پردازد. در بخش چهارم، با اصلاح طبقه‌بندی و تحلیل معظمی، ساخت ترکیبات خیلی‌ها و بعضی‌ها تبیین می‌شود و در خاتمه نیز نتیجه‌گیری این نوشتار بیان خواهد شد.

۲- آراء پیشینیان

سمیعان (۱۹۸۳) کمیت‌نماهای فارسی را به دو گروه تقسیم‌بندی می‌کند:

الف - گروهی که تنها در ساخت بخشی^۲ ظاهر می‌شوند، مانند:

- همه، تمام، بیشتر، بعضی، بسیاری، هیچ‌کدام، هر کدام.

ب - گروهی که هم در ساخت بخشی (در کنار گروه حرف اضافه‌ای) و هم در ساخت

کمی (در کنار گروه اسمی) ظاهر می‌شوند، مانند:

1. quantifiers

2. partitive construction

- خیلی، کمی، قدری، یک‌ذره، یک‌خرده، هر نوع، هر قدر، هر چه، همه‌گونه، همه‌نوع، چندنوع، چقدر، هیچ‌نوع، هیچ‌چیز، این‌همه، آن‌همه.

(سمیعان، ۱۹۸۳: ۱۴۶)

بدین ترتیب سمیعان کمیت‌نماها را بر این مبنا که در چه ساختی ظاهر می‌شوند، تقسیم‌بندی می‌کند.

معظمی (۱۳۸۵) نیز کمیت‌نماها را بر مبنای جایگاه ابتدایی و ساخت درونی آنها تقسیم‌بندی می‌کند. در طبقه‌بندی او کمیت‌نماها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که ذاتا کمیت‌نما بوده و از ابتدا در درون گروه کمیت‌نما قرار می‌گیرند و گروهی که جایگاه ابتدایی آنها درون گروه حرف تعریف (در واقع در هسته‌گروه اسمی کوچک) بوده و تنها برای بازبینی مشخصه کمیت‌نمایی خود و گرفتن دامنه^۱ نسبت به سایر عناصر به گروه QP می‌روند. تقسیم‌بندی او از کمیت‌نماها به شرح زیر است:

الف- گروه کمیت‌نماهای اصلی که جایگاه ابتدایی آنها در گروه کمیت‌نما است و عبارتند از: همه، تمام، هیچ(کدام، نوع)، هر(کدام، نوع، قدر). این گروه خود به دو زیرگروه تقسیم می‌شود:

الف- ۱- گروهی که خود مشخصه [+N] داشته و به تنهایی در گروه کمیت‌نما ظاهر می‌شوند و به دلیل داشتن مشخصه [+N] جایگاه آنها در هسته‌گروه کمیت‌نما است. این گروه همواره باید با یک اسم معرفه همراه شوند. بدین ترتیب مشخصه [معرفه +] دارند. مانند:

(۱)- الف- همه این بچه‌ها

ب- تمام بچه‌ها (معظمی، ۱۳۸۵: ۱۶۶)

الف- ۲- گروهی که تنها مشخصه [+Q] داشته و حتما باید با یک عنصر اسمی همراه شوند و به همین دلیل نیز جایگاه آنها را شاخص گروه کمیت‌نما در نظر می‌گیرد. این گروه عبارتند از «هر» و «هیچ». کمیت‌نماهای این گروه یا با اسم مبهم (مانند کدام، گونه و ... که مرجع مشخصی ندارند) همراه می‌شوند و یا با اسم‌های اصلی ظاهر می‌شوند، که این اسم‌ها همواره باید با یای نکره همراه باشند. مانند:

(۲)- الف- هر کدام از این کتاب‌ها

1. scope

ب- هیچ کدام از این کتاب‌ها

(۳)- الف- هر کتابی

(معظمی، ۱۳۸۵:۱۶۶)

ب- هیچ کتابی

معظمی (۱۳۸۵) معتقد است که یک مشخصه [- معرفه] در کمیت‌نماهای گروه الف- ۲- وجود دارد که حتماً باید با مشخصه [- معرفه] اسم بعد از آنها بازبینی شود. ب - گروه دوم از کمیت‌نماها شامل عناصری هستند که جایگاه ابتدایی آنها درون گروه حرف تعریف (در هسته گروه اسمی کوچک) بوده و در واقع از عناصر متفاوتی تشکیل شده‌اند. مانند:

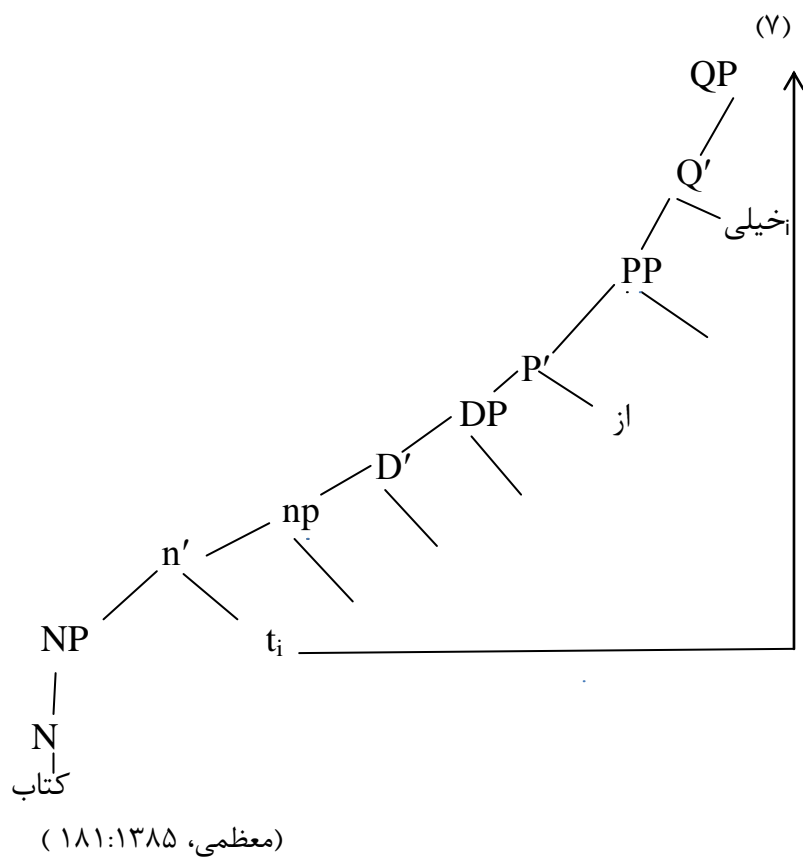
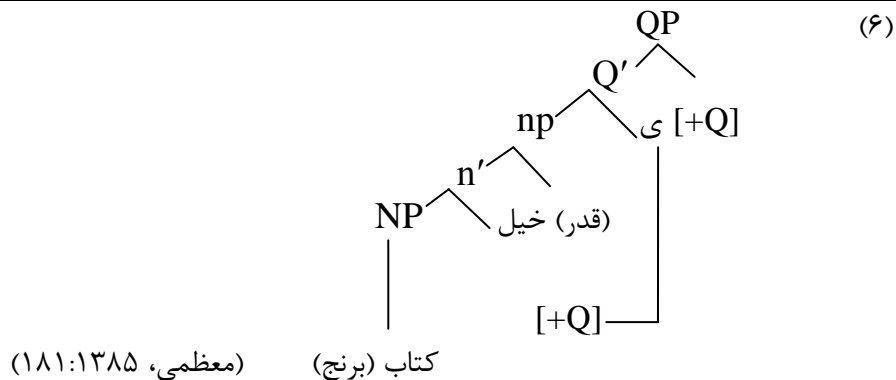
- خیلی، کمی، قدری، مقداری، تعدادی، یک‌ذره، یک‌خرده، بعضی و بسیاری. معظمی (۱۳۸۵) به پیروی از سمیعیان (۱۹۸۳) بر این باور است که این کمیت‌نماها از ترکیب یک اسم و یک عنصر نکره‌ساز («یک» یا «یای نکره») به وجود آمده‌اند. بنا بر نظر سمیعیان (۱۹۸۳) بسیاری از این اسم‌ها مشخصه اسمی خود را از دست داده‌اند، اما برخی دیگر هنوز کاربرد اسمی دارند. به عنوان مثال، «خیل» در ترکیب «خیلی» کاربرد اسمی خود را از دست داده‌است اما «تعداد» در ترکیب «تعدادی» هنوز کاربرد اسمی دارد:

(۴) - خیل + یای نکره ← خیلی

(۵) - تعداد + یای نکره ← تعدادی

معظمی (۱۳۸۵) با توجه به آراء قمشی (۲۰۰۳)، جایگاه یای نکره را هسته گروه کمیت‌نما و جایگاه «یک» را شاخص این گروه در نظر می‌گیرد. در تحلیل معظمی، این عناصر با مشخصه [+Q] در جایگاه اولیه خود، یعنی درون گروه حرف تعریف از ابتدا قرار می‌گیرند و سپس در اثر حرکت به گروه کمیت‌نما QP می‌روند که از طرفی مشخصه [+Q] خود را بازبینی کنند و از طرف دیگر نسبت به سایر عناصر دامنه داشته باشند.

بدین ترتیب او ساخت عناصری نظیر «خیلی» و «قدری» (متعلق به گروه ب)، چه با حرف اضافه همراه شوند (ساخت بخشی) و چه با گروه اسمی بیابند را به صورت زیر در نظر می‌گیرد:



همانطور که مشاهده می‌شود اسم‌های «خیل» و «قدر» از هسته گروه اسمی کوچک حرکت کرده و با پیوستن به هسته گروه کمیت‌نما که یای نکره را در خود دارد، از طرفی مشخصه کمی خود را بازبینی می‌کند و از طرف دیگر بر بقیه عناصر (برنج و

کتاب) دامنه می‌گیرند. در ساخت (۷) نیز این عناصر از درون جایگاه اصلی خود به هسته گروه کمیت‌نما رفته و ترکیبات «خیلی» و «قدری» را ساخته‌اند و چون گروه حرف تعریف در درون یک گروه حرف اضافه‌ای قرار دارد، هسته این گروه حرف اضافه‌ای (حرف اضافه «از») حالت آنها را بازبینی می‌کند.

پیش از آنکه در بخش بعد به بررسی آراء سمیعان و معظمی پردازیم، لازم به ذکر است که نظرات سمیعان (۱۹۸۳) در قالب نظریه معیار گسترش‌یافته و تحلیل‌های معظمی (۱۳۸۵) بر مبنای برنامه کمینه‌گرا ارائه شده‌اند. با توجه به سیر پیشرفت دستور زایشی، برنامه کمینه‌گرا جدیدترین رویکرد نظریه اصول و پارامترها در دستور زایشی است و طبق نظر چامسکی (۱۹۹۴)، هدف آن محدود کردن اصول و ابزارهای نظری برای هر چه بهینه‌کردن و اقتصادی کردن نظریه دستوری است. بدین لحاظ در این نوشتار نیز با توجه به اصول برنامه کمینه‌گرا، نظرات و آراء زبانشناسان قبلی را بررسی می‌کنیم.

۳- بررسی آراء پیشینیان

نظرات سمیعان (۱۹۸۳) و متعاقب آن معظمی (۱۳۸۵) گرچه از بسیاری جهات صحیح به نظر می‌رسند و با ساختار کمیت‌نماهای زبان فارسی مطابقت دارد، ولی پاره‌ای از نکات آن نیز خالی از اشکال نیست. در این بخش بعضی از این اشکالات را ذکر می‌کنیم. چنانکه در تقسیم‌بندی سمیعان (۱۹۸۳) می‌بینیم، او کمیت‌نماها را بر اساس این که در چه ساختی ظاهر می‌شوند، تقسیم‌بندی می‌کند. در تقسیم‌بندی او کمیت‌نمایی چون «بعضی» فقط در ساخت بخشی ظاهر می‌شود، بدین معنا که یا با کسره‌ی اضافه همراه می‌شود و یا با حرف اضافه‌ی «از»، که در این مورد «بعضی» ظاهراً فقط می‌تواند با حرف اضافه‌ی «از» همراه شود. حال آنکه در زبان فارسی ساخت‌هایی وجود دارد که در آنها «بعضی» توانسته‌است در کنار یک گروه اسمی ساده (ساخت کمی) بیاید. به عنوان مثال در جمله (۸) «بعضی» در کنار گروه اسمی «فیلم‌ها» قرار گرفته‌است:

(۸) - بعضی فیلم‌ها مخاطب خاص دارند.

با توجه به مثال (۸) می‌توان دریافت که «بعضی» در تقسیم‌بندی سمیعان در گروه اول قرار ندارد بلکه باید مانند عناصری چون «خیلی»، «کمی»، «قدری» و ... هم در ساخت

بخشی و هم در ساخت کمی وارد می‌شود (گروه دوم). نکته‌ای که شاید یادآوری آن لازم باشد اینکه ممکن است این تصور پیش آید که در ساخت «بعضی فیلم‌ها» (مثال ۸)، در واقع یک فرآیند حذف صورت گرفته‌است و شکل اصلی این ساخت «بعضی از فیلم‌ها» بوده که عنصر «از» در آن حذف شده‌است. در پاسخ به این ایراد باید گفت که اگر در ساخت «بعضی فیلم‌ها» حذف صورت گرفته‌است، پس می‌توان ادعا کرد که در ساخت‌های مربوط به گروه دوم طبقه‌بندی سمیعیان (عناصری چون خیلی، کمی، قدری و ...) که با گروه اسمی هم همراه می‌شوند، نیز حذف صورت گرفته و به عنوان مثال ساختی چون «کمی آب» در اصل «کمی از آب» بوده‌است. بدین ترتیب اگر قائل به چنین اشکالی باشیم کل طبقه‌بندی سمیعیان به زیر سؤال خواهدرفت و دیگر تمایزی میان دو گروه کمیت‌نما وجود نخواهدداشت.

معظمی (۱۳۸۵) نیز کمیت‌نماها را بر مبنای جایگاه اولیه و ساخت درونی این عناصر تقسیم‌بندی می‌کند و چنانچه ذکر شد در تقسیم‌بندی او گروه دوم از کمیت‌نماها شامل عناصری هستند که جایگاه ابتدایی آنها در درون گروه حرف تعریف بوده و سپس جابه‌جا شده و به گروه کمیت‌نما می‌روند تا از طرفی مشخصه [+Q] خود را بازبینی کنند و از طرف دیگر نسبت به سایر عناصر دامنه داشته باشند.

پیش از هرچیز باید خاطر نشان کنیم که دامنه گرفتن عناصر کمیت‌نمایی تحت فرآیند ارتقاء کمیت‌نما^۱ مطرح می‌شود. بنا بر نظر می^۲ (۱۹۸۵) و هگمن^۳ (۱۹۹۴)، ابهام در با هم‌آیی دو کمیت‌نما و داشتن تعامل با گروه‌های پرسش‌واژه^۴ نشان می‌دهد که گروه‌های کمیت‌نما در سطح جمله دارای دامنه هستند و صورت منطقی^۵ جایی است که دامنه گروه‌های کمیت‌نما در آن مشخص می‌شود. لذا قائل شدن به این که کمیت‌نماها در خود گروه کمیت‌نما نیز دچار فرآیند ارتقاء می‌شوند و دامنه می‌گیرند، کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

اما اساسی‌ترین ایرادی که می‌توان برای تقسیم‌بندی معظمی ذکر کرد، مسئله حرکت دو عنصر اسمی «بعض» و «خیل» (از گروه دوم کمیت‌نماهای معرفی شده توسط

1. quantifier raising

2. May

3. Haegemann

4. wh phrase

5. logical form

معظمی) از گروه حرف تعریف (درون گروه اسمی کوچک) به گروه کمیت‌نما می‌باشد. چنانچه دیدیم او به پیروی از سمیعیان (۱۹۸۳) معتقد است این دو عنصر از ترکیب یک اسم و یک عنصر نکره‌ساز (در اینجا یای نکره) به وجود آمده‌اند:

(۹) - الف - خیل + یای نکره ← خیلی

- ب - بعض + یای نکره ← بعضی

اگر نظر معظمی را در مورد این دو عنصر کمیت‌نما بپذیریم، تحلیل ساختار این دو عنصر همراه با نشانهٔ جمع «-ها» یعنی «بعضی‌ها» و «خیلی‌ها» با مشکلات تجربی و نظری مواجه خواهد شد.

از منظر تجربی و ساختوازی اشکال این تحلیل این است که در تصریف اسم‌ها در زبان فارسی، همواره ابتدا نشانهٔ جمع «-ها» به اسم ملحق می‌شود و سپس یای نکره با آن همراه می‌شود و ترتیب این دو وند تصریفی به صورت زیر است

(۱۰) - اسم + «-ها» + یای نکره

اگر عکس ترتیب (۱۰) در مورد وندهای تصریفی مذکور صورت بگیرد، ترکیب بدساختی را در زبان فارسی به وجود می‌آورد، چنانچه در مثال (۱۱) می‌بینیم:

(۱۱) - الف - کتاب‌هایی

- ب - *کتابی‌ها

همانگونه که در مثال (۱۱) - الف می‌بینیم، در ترکیب خوش‌ساخت «کتاب‌هایی» ابتدا «-ها»ی جمع و سپس یای نکره ظاهر می‌شود و در ساخت نادرست «کتابی‌ها» ابتدا یای نکره و سپس «-ها»ی جمع آمده‌است. اگر در مورد «خیلی» و «بعضی» هم بپذیریم که این دو عنصر از ترکیب اسم «خیل» یا «بعض» همراه با یای نکره به وجود آمده‌اند، پس باید ابتدا «-ها»ی جمع را بپذیرند و سپس با یای نکره همراه شوند. مثال (۱۲) نشان می‌دهد که این پیش‌بینی صحیح نیست:

(۱۲) - الف - *خیل‌هایی

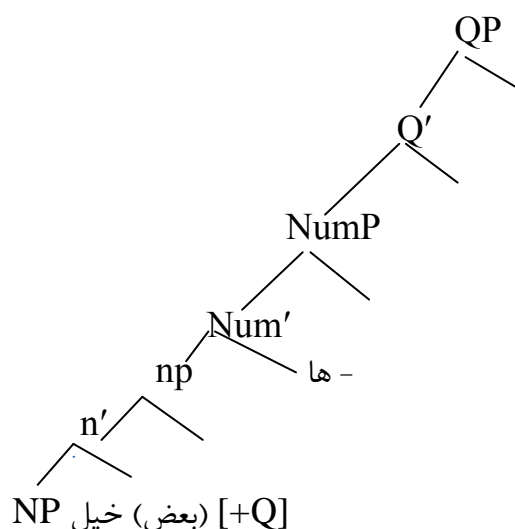
- ب - *بعض‌هایی

با توجه به مثال (۱۲) پذیرش اینکه این عناصر ترکیب یک اسم با یای نکره هستند را به زیر سؤال می‌برد.

ایراد دیگری که از بعد نظری در خصوص ترکیبات «خیلی‌ها» و «بعضی‌ها» مطرح می‌شود، مشکلاتی است که به واسطه‌ی حرکت این عناصر از درون گروه اسمی و به

سوی گروه کمیت‌نما به وجود می‌آید. معظمی (۱۳۸۵) خود به پیروی از پاناگیوتیدس^۱ (۲۰۰۲)، در تحلیلی که از تکواژ جمع ارائه می‌دهد، جایگاه این تکواژ را هسته گروه نقشی شمار^۲ (umNP) در نظر می‌گیرد که این گروه بر فراز گروه اسمی قرار دارد. اگر نظر او را در خصوص حرکت هسته اسمی «خیل» و «بعض» بپذیریم، ساختی همچون نمودار (۱۳) به دست می‌آید:

(۱۳)



با توجه به ساخت (۱۳)، اسم‌های «خیل» و «بعض» باید از هسته np حرکت کرده و از فراز هسته گروه شمار، یعنی «-ها»، عبور کرده و با پیوستن به هسته گروه کمیت‌نما که یای نکره را در خود دارد، مشخصه [+Q] خود را بازبینی کنند. چنانکه می‌دانیم این حرکت، حرکتی از نوع هسته به هسته است. تراویس^۳ (۱۹۸۴) محدودیت حرکت هسته^۴ (HMC) را اینگونه بیان می‌کند:

«حرکت هسته X به هسته Y نمی‌تواند از فراز یک هسته میانی Z انجام شود.»

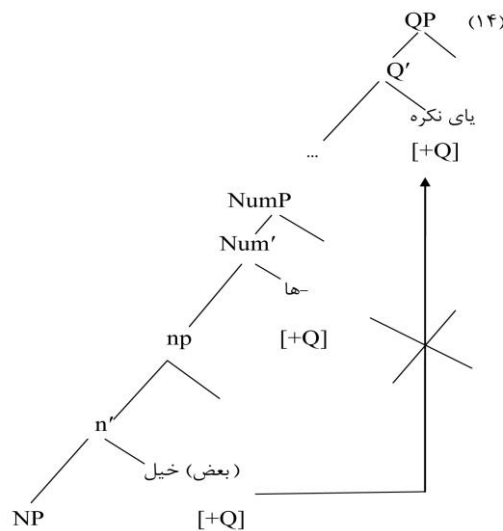
1. Panagiotidis

2. Number phrase

3. Travis

4. Head Movement Constraint

در نسخه‌های متاخر دستور زایشی محدودیت حرکت هسته دچار تغییراتی شد. لسنیک^۱ و یوریاگرکا^۲ (۲۰۰۵) واقعیت توصیفی را از محدودیت حرکت هسته بیان می‌کنند مبنی بر اینکه محدودیت حرکت هسته از طریق جذب موضعی^۳ اعمال می‌شود و به این تعبیر است که α نمی‌تواند β را جذب کند اگر γ از همان جنس β وجود داشته باشد که به α نزدیک‌تر باشد. همانگونه که مشاهده می‌شود، در ساخت (۱۳) «خیل» و «بعض» در حرکت خود به سوی گروه کمیت‌نما باید از روی هسته گروه شمار یعنی «-ها» عبور کنند. اگر هسته گروه شمار دارای مشخصه‌ای از جنس مشخصه‌های «خیل» و «بعض» باشد، این حرکت بنابر محدودیت حرکت هسته که از سوی لسنیک و یوریاگرکا (۲۰۰۵) مطرح شد، دچار اشکال می‌شود. درزی و قدیری (۱۳۹۰) با ارائه‌ی داده‌ها و شواهدی از زبان فارسی نشان داده‌اند که نشانه جمع «-ها» در زبان فارسی می‌تواند دارای مشخصه کمیت‌نمایی [+Q] باشد. پس حرکت عناصری نظیر «خیل» و «بعض» از هسته اسمی با دارا بودن مشخصه [+Q] و عبور آن از فراز هسته گروه شمار که خود دارای همان مشخصه [+Q] است و رفتن به گروه کمیت‌نما، حرکت مجازی نخواهد بود و ناقض اصل محدودیت حرکت هسته است، همانگونه که در نمودار (۱۴) می‌بینیم:



1. Lasnik
2. Uriagereka
3. local

در ساخت (۱۴) هسته گروه اسمی «خیل» و یا «بعض»، نمی‌تواند برای بازبینی مشخصه [+Q] خود به گروه کمیت‌نما برود زیرا عنصری مانند تکواژ جمع «-ها» در هسته گروه شمار قرار دارد که دارای همان مشخصه [+Q] است. بدین ترتیب نمی‌توان قایل شد که «خیلی» و «بعضی» از درون گروه حرف تعریف حرکت کرده‌اند و به گروه کمیت‌نما رفته‌اند.

۴- جایگاه «خیلی» و «بعضی» در گروه کمیت‌نما

چنانچه در بخش قبل دیدیم، در نظر گرفتن جایگاه ابتدایی برای دو کمیت‌نمای «خیلی» و «بعضی» در درون گروه حرف تعریف (در هسته گروه اسمی کوچک) با اشکالات تجربی و نظری مواجه می‌شد.

هورنشتین (۲۰۰۹) با استفاده از مفهوم مسیر^۱ مسئله «ارجحیت ادغام به حرکت^۲» (MoM) را مطرح می‌کند. او معتقد است وقتی عنصری بعد از فرآیند برشماری^۳، ادغام شود، لازم نیست مسیری را طی کند (مسیر = Ø)، لذا ادغام به مراتب اقتصادی‌تر و ارجح‌تر از حرکت است. به همین دلیل اقتصادی‌تر و بهینه‌تر است که جایگاه «خیلی» و «بعضی» را در گروه کمیت‌نما در نظر بگیریم.

کاواشیما^۴ (۱۹۹۴) به پیروی از گیوستی^۵ (۱۹۹۱) گروه کمیت‌نما را بالاترین مقوله در ساخت گروه اسمی می‌داند و جایگاه عنصری چون all و many در زبان انگلیسی را در هسته گروه کمیت‌نما در نظر می‌گیرد و تنها تفاوت این دو عنصر را ویژگی‌های صرفی آنها می‌داند، به طوریکه در زبان انگلیسی کمیت‌نمای "all" گروه حرف تعریف و کمیت‌نمای "many" گروه اسمی را به عنوان متمم خود می‌پذیرند:

(۱۵)

a – [QP [Q all] [DP the students]]

b – [QP [Q many] [NP students]]

(کاواشیما، ۱۹۹۴: ۵۰)

1. path

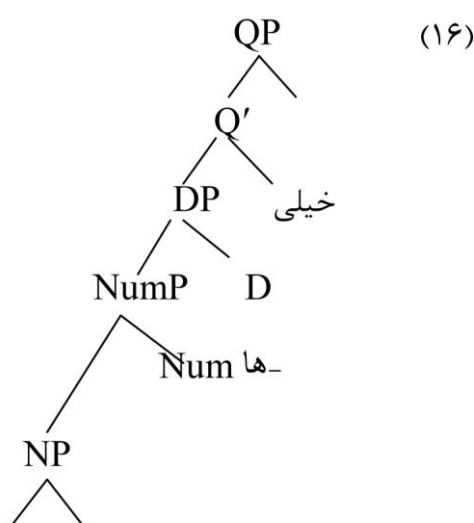
2. Merge over Move

3. numeration

4. Kawashima

5. Giusti

هرچند در تحلیل کاواشیما (۱۹۹۴) عنصری که متمم گروه کمیت‌نما است باعث تمایز کمیت‌نماها می‌شود ولی به پیروی از او می‌توان جایگاه کمیت‌نماهایی چون «خیلی» و «بعضی» در زبان فارسی را از همان ابتدا در درون گروه کمیت‌نما و در هسته این گروه در نظر گرفت. قایل شدن به ادغام این دو کمیت‌نما در هسته گروه کمیت‌نما به خوبی پذیرش تکواژ جمع «-ها» توسط این عناصر را تبیین می‌کند، به طوریکه در نمودار (۱۶) می‌بینیم ساخت ترکیبات «بعضی‌ها» و «خیلی‌ها» به صورت زیر است:



در این ساخت QP بر فراز یک DP قرار دارد که «-ها» را به عنوان هسته گروه نقشی شمار در خود جای داده‌است. با توجه به اینکه تکواژ «-ها» یک وند است و نیاز به میزبان دارد و هسته گروه اسمی ما یک عنصر تهی است، نتیجه می‌گیریم که «-ها» می‌تواند عناصر کمیت‌نمایی چون «خیلی» و «بعضی» را به عنوان میزبان خود انتخاب کند و ترکیبات خوش‌ساخت «خیلی‌ها» و «بعضی‌ها» را به وجود آورد.

با توجه به نکاتی که گفته شد ضروری به نظر می‌رسد که یک بازنگری در تحلیل معظمی از کمیت‌نماها صورت بگیرد. چنانکه گفتیم، به تعبیر او، گروه الف از کمیت‌نماها که در همان گروه کمیت‌نما ادغام می‌شوند، خود از دو گروه تشکیل شده‌اند که اولی در هسته این فرافکن و دومی در شاخص آن ادغام می‌شود. اما نشان دادیم که عناصری چون «خیلی» و «بعضی» هم در گروه کمیت‌نما جای دارند. بنابراین می‌توان گروه الف

از کمیت‌نماها را به سه گروه تقسیم بندی کرد که گروه اول در هستهٔ این گروه جای می‌گیرند (عناصری چون همه، تمام، ...) و گروه دوم در شاخص گروه کمیت‌نما قرار دارد (عناصری چون هر و هیچ) و گروه سوم از کمیت‌نماهای موجود در این فرافکن که شامل عناصری چون «خیلی» و «بعضی» است نیز در هستهٔ گروه کمیت‌نما ادغام می‌شوند (به پیروی از کاواشیما). تفاوت اعضای این گروه با عناصر دسته‌ی اول در این است که بر خلاف گروه اول، به دلیل نداشتن مشخصهٔ اسمی [+N] قادر نیستند در ساخت حوزه‌ی اضافه وارد شوند. این بدساختی را در ترکیبات مثال (۱۷) می‌بینیم:

(۱۷) - الف - *خیلی بچه‌ها

ب - *بعضی بچه‌ها

«خیلی» و «بعضی» در مثال (۱۷) نمی‌توانند کسره‌ی اضافه دریافت کنند و وارد حوزه‌ی اضافه شوند. به همین دلیل از کمیت‌نماهایی همچون همه، تمام، ... متمایز هستند. لذا می‌توان برای این دو عنصر یک زیر گروه جداگانه در نظر گرفت که در گروه کمیت‌نما و در هستهٔ آن ادغام می‌شوند و دارای این خصوصیت هستند که هم در ساخت بخشی (همراه با حرف اضافه «از») و هم در ساخت کمی (همراه با گروه اسمی) وارد می‌شوند.

۵- نتیجه

چنانچه دیدیم در نظر گرفتن عناصر کمیت‌نمایی «خیلی» و «بعضی» در هستهٔ گروه کمیت‌نما، مشکلات ناشی از حرکت این عناصر از درون گروه حرف تعریف به گروه کمیت‌نما را مرتفع می‌سازد. به همین دلیل لازم است تغییراتی را در تقسیم‌بندی معظمی (۱۳۸۵) اعمال کنیم. با توجه به ایراداتی که به تحلیل معظمی از دو کمیت‌نمای «خیلی» و «بعضی» وارد شد و با در نظر گرفتن ارجحیت فرآیند ادغام به حرکت در برنامهٔ کمینه‌گرا، در گروه اول طبقه‌بندی معظمی که خود شامل دو زیرگروه بود، زیرگروه سوم را معرفی می‌کنیم که جایگاه اولیهٔ اعضای آن هم در هستهٔ گروه کمیت‌نما QP است و دارای این خصوصیت هستند که هم در ساخت کمی (همراه با گروه اسمی) و هم در ساخت بخشی (همراه با حرف اضافه «از») ظاهر می‌شوند و عناصری چون «خیلی» و «بعضی» به این زیرگروه تعلق دارند.

منابع

- درزی، علی و لیلا قدیری (۱۳۹۰). «کمیت‌نمایی نشانه جمع». مجله‌ی پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره‌ی دوم، شماره ۱ اول، خرداد ۱۳۹۰، ۷۱-۸۵.
- صادقی، علی اشرف و غلام رضا ارزنگ (۱۳۵۷). *دستور سال سوم آموزش متوسطه عمومی (فرهنگ و ادب)*، انتشارات آموزش و پرورش، تهران.
- معظمی، آرزو (۱۳۸۵). «نحو گروه حرف تعریف در زبان فارسی»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- Chomsky, N. 1994. "Bare phrase structure". In G. Webelhuth (ed), 1995. *Government and binding Theory and minimalist program*. Oxford: Blackwell.
- Ghameshi, J. 2003. "Plural marking, indefiniteness and the noun phrase", *Studia Linguistica*, 57 (2): 47-74.
- Giusti, G. 1991. "The categorial status of quantified nominals", *Linguistische Berichte*, 136: 438-454.
- Haegemann, L. 1994. *Introduction to government and binding theory*, Oxford: Blackwell.
- Hornstein, N. 2009. *A theory of syntax*, New York: Cambridge University Press.
- Kawashima, R. 1994. The structure of noun phrase and interpretation of quantificational NPs in Japanese, Doctoral dissertation, Cornell University.
- Lasnik, H, and J. Uriagereka. 2005. *A Course in minimalist syntax*. Blackwell Publishing, Maldan.
- May, R. 1985. *Logical form*, Cambridge, Mass: MIT Press.
- Panagiotidis, P. 2002. *Pronouns, clitics and empty nouns: Pronominality and licensing in syntax*, Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing co.
- Samiiian, V. 1983. Structure of Phrasal categories in Persian, an X-bar Analysis, Doctoral dissertation, UCLA.
- Travis, L. 1984. Parameters and effect of word order variation, Doctoral dissertation, MIT.